



مرکز تحقیقات اسلامی

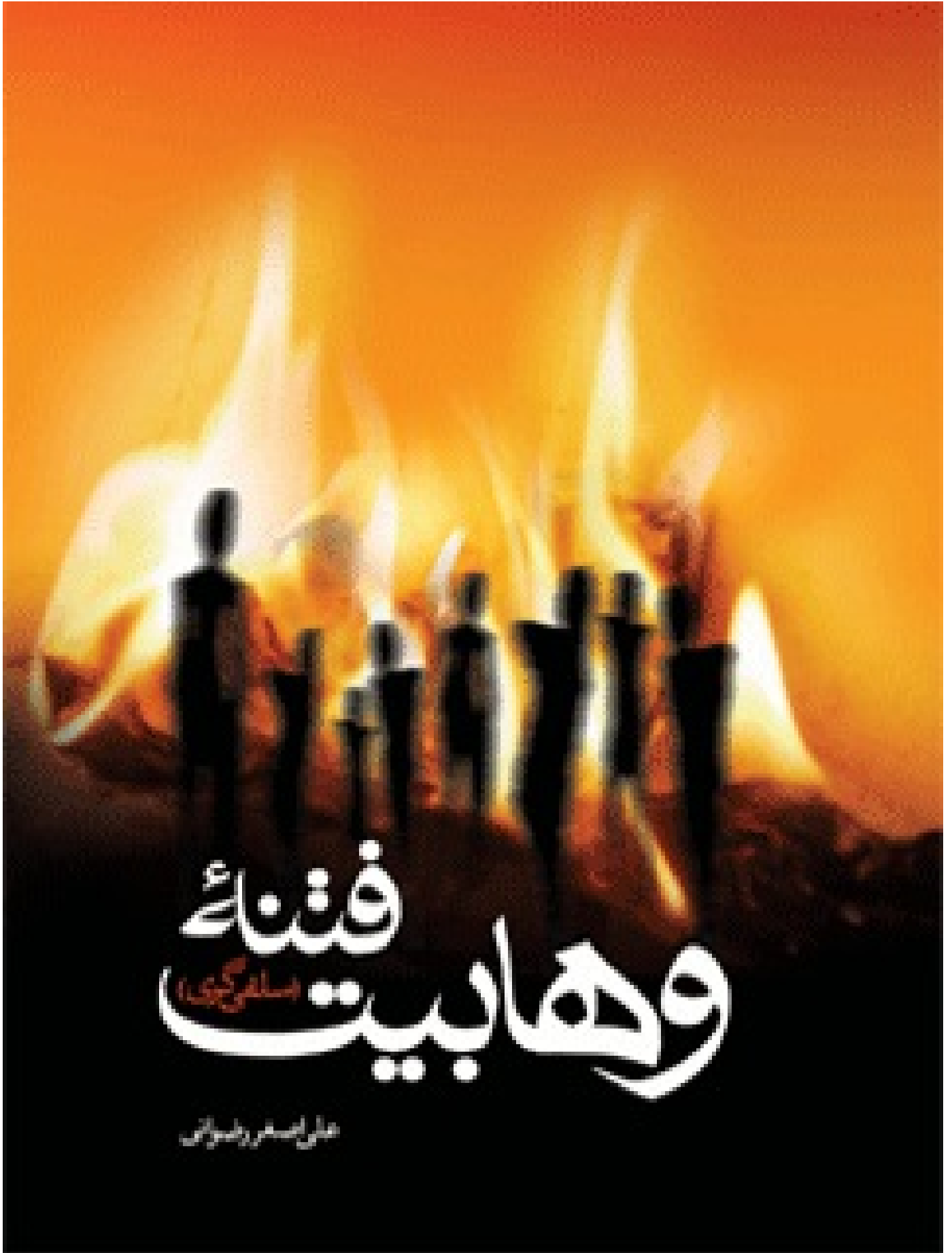
اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



فتنائے وہابیہ

علی ایس غور و صاحبزادہ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فتنه و هابیت

نویسنده:

علی اصغر رضوانی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	فتنه وهابیت
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه ناشر
۷	پیشگفتار
۸	شرح حال محمّد بن عبدالوهاب
۸	کشتار بی‌رحمانه شیعیان در کربلا
۹	قتل عام مردم منطقه طائف در حجاز
۹	تصمیم به کشتار عمومی علمای اهل سنت
۱۰	خطبه کفرآمیز سعود در مدینه منوره
۱۰	انهدام میراث فرهنگی
۱۱	تخریب آثار بزرگان مکه
۱۱	آتش زدن کتابخانه‌های بزرگ
۱۲	تخریب آثار بزرگان مدینه
۱۲	برخی از عقاید و فتاوی وهابیان
۱۲	مسلمانان از دیدگاه وهابیان
۱۲	تشابه بین وهابیان و خوارج
۱۳	روش‌های دعوت وهابیان
۱۳	اشاره
۱۳	۱ - مبارزه و مقابله با کتاب‌های شیعه
۱۳	۲ - تحریف کتاب‌ها
۱۴	۳ - مختصر کردن کتاب‌ها
۱۴	۴ - استفاده از موسم حج

- ۵ - تهمت‌ها بر ضد شیعه ۱۵
- از عوامل تهاجم بر ضد شیعه ۱۵
- وهابیت، عامل تفرقه ۱۶
- فهرست منشورات مسجد مقدّس جمکران ۱۷
- پی نوشت ها ۱۹
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۱۹

فتنه وهابیت

مشخصات کتاب

سرشناسه: رضوانی علی اصغر، ۱۳۴۱ - عنوان و نام پدید آور: فتنه وهابیت / مولف علی اصغر رضوانی. مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۵. مشخصات ظاهری: ۴۵ ص؛ ۱۶/۵×۱۱/۵ س.م. شابک: ۲۰۰۰ ریال: ۳-۶۴-۸۴۸۴-۹۶۴؛ ۳۵۰۰ ریال: چاپ پنجم: ۹-۶۴-۸۴۸۴-۹۶۴-۹۷۸ یادداشت: چاپ دوم. یادداشت: چاپ سوم: ۱۳۸۵. یادداشت: چاپ پنجم ۱۳۸۹ (فیفا). یادداشت: عنوان روی جلد: فتنه وهابیت (سلفی گری). یادداشت: کتابنامه به صورت زیر نویس. عنوان روی جلد: فتنه وهابیت (سلفی گری). موضوع: وهابیه موضوع: وهابیه -- تاریخ رده بندی کنگره: ۶/۲۳۸/۶BP/۶ف۲ ۱۳۸۵ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۵۲۷ شماره کتابشناسی ملی: ۱۱۴۱۵۴۰

مقدمه ناشر

ترویج فرهنگ ناب محمدی و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام در طول تاریخ دچار کج اندیشی‌ها و نابخردی‌هایی بوده است که نمونه بارز آن را در اندیشه وهابیت و سلفی گری می‌توان نظارگر بود، تفکری که همه مسلمانان جهان را از دین اسلام خارج و فقط خود را مسلمان می‌دانند. عده‌ای اندک که با کج‌اندیشی، مسلمانان جهان و دیگر ادیان را دچار مشکل کرده و چهره‌ای خشن و کریه از دین رحمت ارائه نموده‌اند. معمار این اندیشه ابن تیمیه از مخالفان فرزندان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌باشد که تفکر او از قرن هفتم تا قرن سیزدهم به فراموشی سپرده شده و مورد مخالفت اندیشمندان مذاهب اسلامی قرار گرفت ولی کمتر از یک قرن است که این تفکر انحرافی دوباره در جامعه اسلامی توسط افرادی معلوم حال مطرح می‌گردد. جا دارد متفکرین اسلامی، جریان‌های فکری منحرف را به مسلمانان جهان معرفی محور وحدت اسلامی که همان اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است را تبیین نمایند، محوری که براساس محبت و پیروی از اهل بیت رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله استوار است و از فحاشی و ضرب و شتم و ترور و بمب گذاری به دور است و هیچ سختی با آن ندارد. گفت و گوی در محافل علمی و معرفی اندیشه ناب، نیاز به آن حرکات انحرافی ندارد، و چنانچه در گفتار صادقند، میدان علم و اندیشه مهیا است. تهاجم استکبار جهانی و صهیونیست‌ها به تفکر اصیل اسلامی از زمانی آغاز و سرعت گرفت که انقلاب شکوهمند اسلامی به رهبری امام خمینی رحمه الله در کشور اسلامی ایران به ثمر نشست و توسط رهبر بزرگوار انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای دام ظلّه هدایت گردید. از کلیه عزیزانی که ما را در نشر معارف اهل بیت علیهم السلام یاری می‌نمایند به ویژه تولیت محترم مسجد مقدس جمکران حضرت آیت الله وافی و همکاران در مجموعه انتشارات و مؤلف محترم جناب استاد علی اصغر رضوانی کمال تشکر و قدردانی را داریم امید است مورد رضای حضرت حق قرار گیرد. ان شاء الله. مسؤول انتشارات مسجد مقدس جمکران حسین احمدی

پیشگفتار

یکی از فرقه‌هایی که در مقابل اکثر مسلمین قرار گرفته، فرقه‌ای موسوم به «وهابیت» است. این فرقه منسوب به مؤسس آن، محمد بن عبدالوهاب بن سلیمان نجدی است. او کسی است که با ادعای احیای توحید و سلفی گری (همان عقاید و افکار ابن تیمیه (۱) را در شبه جزیره عربستان پیاده کرده) آل سعود نیز مجری افکار آن‌ها گشت. این فرقه از قرن دوازده تا کنون بر جای مانده است. جا دارد

با مؤسسه این فرقه و چگونگی گسترش آن آشنا شویم.

شرح حال محمد بن عبدالوهاب

محمد بن عبدالوهاب در سال ۱۱۱۱ ه. ق. متولد شد و در سال ۱۲۰۶ ه. ق. از دنیا رفت. دوران کودکی را در شهر خود «عینه» در حجاز و به ویژه نجد سپری کرد. بعد از مدتی وارد حوزه علمیه حنبلی شد و نزد علمای «عینه» به فراگیری علوم پرداخت. برای تکمیل دروس خود، وارد مدینه منوره شد. بعد از آن شروع به مسافرت به کشورهای اسلامی نمود؛ چهار سال در بصره و پنج سال در بغداد اقامت نمود. و به ایران نیز مسافرت کرد؛ در کردستان یک سال و در همدان دو سال ماند. آن گاه سفری به اصفهان و قم نمود و بعد از فراگیری فلسفه و تصوف، به کشور خود، حجاز بازگشت. بعد از هشت ماه که در خانه خود اعتکاف نموده بود، بیرون آمد و دعوت خود را آغاز نمود. با پدرش به شهر «حریمله» هجرت کرد، و تا وفات پدر در آنجا ماند؛ در حالی که پدرش از او راضی نبود. از آنجا که محمد بن عبدالوهاب، عقاید خرافی خود را که برخلاف عامه مسلمانان بود و در حقیقت همان عقاید ابن تیمیه بود منتشر می‌ساخت، بعد از فوت پدرش خواستند او را بکشند که به شهر خود «عینه» فرار کرد. قرار شد امیر شهر، عثمان بن معمر، او را یاری کند تا بتواند افکار و عقایدش را در جزیره العرب منتشر سازد. و برای تأکید این میثاق، امیر عینه خواهرش جوهره را به نکاح محمد بن عبدالوهاب درآورد. لکن این میثاق و ازدواج دوام نیاورد. به همین دلیل از ترس این که امیر او را ترور کند به «درعیه» شهر مسیلمه کذاب، فرار کرد. از همان موقع که در «عینه» بود به کمک امیر شهر درصدد اجرای عقاید و افکار خود برآمد و قبر زید بن خطّاب را خراب نمود و این امر منجر به فتنه و آشوب شد. در «درعیه» نیز با محمد بن سعود - جد آل سعود - که امیر آن شهر بود، ملاقات کرد. قرار شد محمد بن سعود هم او را یاری کند و در عوض، او نیز حکومتش را تأیید نماید. محمد بن سعود نیز به جهت تأیید این میثاق، یکی از دختران خود را به نکاح او درآورد. اولین کار او این بود که حکم به کفر و شرک و ترور امیر «عینه» داد و سپس آل سعود را برای حمله به «عینه» تشویق کرد. در اثر آن حمله تعداد زیادی کشته، خانه‌هایشان غارت و ویران شد و به نوامیس‌شان هم تجاوز نمودند. این گونه بود که وهابیان حرکت خود را به اسم نصرت و یاری توحید و محاربه با بدعت و شرک و مظاهر آن شروع کردند. محمد بن عبدالوهاب همه مسلمانان را، بدون استثنا، تکفیر می‌نمود؛ به اتهام این که آنان متوسل به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌شوند و بر قبور اولیای خود گنبد و بارگاه می‌سازند و به قصد زیارت قبور سفر می‌کنند و از اولیا طلب شفاعت می‌کنند و... (۲) پس از پیروزی بر «عینه» به سرزمین‌های دیگر لشکرکشی کرده و به بهانه گسترش توحید و نفی «بدعت»، «شرک» و مظاهر آن، از میان مسلمین به سرزمین نجد و اطراف آن؛ مثل یمن و حجاز و نواحی سوریه و عراق، حمله‌ور شدند، و هر شهری که عقاید آنان را قبول نمی‌کرد غارت کرده، افرادش را به خاک و خون می‌کشیدند. (۳) پس از ورود به قریه «فصول» از حوالی أحسا و عرضه کردن عقاید خود، مردم با آنان بیعت نکردند، در نتیجه سیصد نفر از مردان قریه را کشته، اموال و ثروت آنان را به غارت بردند. (۴) وهابیان با این افکار خشن، باعث ایجاد اختلاف و تشّت و درگیری میان مسلمین شدند و استعمار را خشنود نمودند. تا جایی که «لورد کورزون» در توصیف شریعت وهابیت می‌گوید: «این عالی‌ترین و پربهاترین دینی است که برای مردم به ارمغان آورده شده است». (۵) با این که محمد بن عبدالوهاب از دنیا رفته است ولی مستشرقین و استعمارگران دائماً درصدد دفاع از افکار او هستند، تا جایی که مستشرق یهودی «جولد تسهیر» او را پیامبر حجاز خوانده و مردم را به متابعت از افکار او تحریک می‌نماید. (۶)

کشتار بی‌رحمانه شیعیان در کربلا

کشتار وهابیان در عتبات عالیات به راستی صفحه تاریخ را سیاه کرده، لکه ننگ همیشگی بر پیشانی وهابیان نهاده است.

صلاح‌الدین مختار که خود وهابی است، می‌نویسد: در سال ۱۲۱۶ ه. ق. امیر سعود با لشکر انبوهی از مردم نجد و عشایر جنوب و حجاز و دیگر نقاط، به قصد عراق حرکت کرد و در ماه ذیقعد به کربلا رسیدند. آنان تمام برج و باروی شهر را خراب کرده و بیشتر مردم را که در کوچه و بازار بودند به قتل رساندند، نزدیک ظهر با اموال و غنایم فراوان از شهر خارج شدند. آن‌گاه خمس اموال غارت شده را خود سعود برداشت و بقیه را به نسبت هر پیاده یک سهم و هر سواره دو سهم بین لشکریان تقسیم نمود. (۷)

شیخ عثمان نجدی از مورخان وهابی می‌نویسد: وهابیان، غافلگیرانه وارد کربلا شدند، بسیاری از اهل آن را در کوچه و بازار و خانه‌ها کشتند، روی قبر حسین علیه السلام را خراب کردند و آنچه در داخل قبه بود، به چپاول بردند و هر چه در شهر از اموال، اسلحه، لباس، فرش، طلا، و قرآن‌های نفیس یافتند، ربودند. نزدیک ظهر از شهر خارج شدند؛ در حالی که قریب به دو هزار نفر از اهالی کربلا را کشته بودند. (۸) برخی می‌نویسند که وهابیان در یک شب، بیست هزار نفر را به قتل رساندند. (۹) میرزا ابوطالب اصفهانی در سفرنامه خود می‌نویسد: هنگام برگشت از لندن و عبور از کربلا و نجف دیدم که قریب بیست و پنج هزار وهابی وارد کربلا شدند و صدای «اقتلوا المشرکین و اذبحوا الکافرین»؛ مشرکان را بکشید و کافران را ذبح کنید، سر می‌دادند، بیش از پنج هزار نفر را کشتند و زخمی‌ها حساب نداشت. صحن مقدس امام حسین علیه السلام از لاشه مقتولین پر و خون از بدن‌های سر بریده روان بود. من بعد از یازده ماه مجدداً به کربلا رفته بودم، دیدم که مردم آن حادثه دلخراش را نقل و گریه می‌کنند، به طوری که از شنیدن آن، موها بر اندام راست می‌شد. (۱۰) وهابیان بعد از کشتار بی‌رحمانه اهل کربلا و هتک حرمت حرم حسینی علیه السلام با همان لشکر راهی نجف اشرف شدند، ولی مردم نجف به خاطر آگاهی از جریان قتل و غارت کربلا و آمادگی دفاعی به مقابله برخاستند و حتی زن‌ها از منزل‌ها بیرون آمده و مردان خود را به دفاع، تشجیع و تحریک می‌کردند تا اسیر قتل و چپاول وهابیان نشوند. در سال ۱۲۱۵ ه. ق. نیز گروهی از وهابیان برای انهدام مرقد مطهر حضرت امیر علیه السلام عازم نجف اشرف شدند که در مسیر با عده‌ای از اعراب درگیر شده و شکست خوردند. (۱۱) آنان در مدت نزدیک به ده سال، چندین بار حملات شدیدی به شهر کربلا و نجف داشتند. (۱۲)

قتل عام مردم منطقه طائف در حجاز

شاید بعضی تصور کنند که وهابیان فقط بلاد شیعه‌نشین را مورد تاخت و تاز قرار داده‌اند، ولی با یک نگاهی به عملکرد سیاه آنان در حجاز و شام روشن خواهد شد که حتی مناطق سنی‌نشین نیز از حملات وحشیانه آنان در امان نبوده است. جمیل صدقی زهاوی درباره حمله وهابیان به طائف می‌نویسد: از زشت‌ترین کارهای وهابیان در سال ۱۲۱۷ ه. ق. قتل عام مردم طائف است که بر صغیر و کبیر رحم نکردند؛ طفل شیرخوار را بر روی سینه مادرش سر بریدند، جمعی را که مشغول فرا گرفتن قرآن بودند کشتند و حتی گروهی که در مسجد مشغول نماز بودند به قتل رساندند، و کتاب‌ها که در میان آن‌ها تعدادی قرآن و نسخه‌هایی از صحیح بخاری و مسلم و دیگر کتب حدیث و فقه بود، در کوچه و بازار افکندند و آن‌ها را پایمال کردند. (۱۳) وهابیان پس از قتل عام مردم طائف، طی نامه‌ای علمای مکه را به آیین خود دعوت کردند. آنان در کعبه گرد آمدند تا به نامه وهابیان پاسخ گویند که ناگهان جمعی از ستمدیدگان طائف داخل مسجد الحرام شدند و آنچه بر آنان گذشته بود بیان داشتند و مردم سخت به وحشت افتادند، چندان که گویی قیامت بر پا شده است. آن‌گاه علما و مفتیان مذاهب اربعه اهل سنت که از مکه مکرمه و سایر بلاد اسلامی برای ادای مناسک حج آمده بودند، به کفر وهابیان حکم کردند و بر امیر مکه واجب دانستند که به مقابله با آنان بشتابد و افزودند که بر مسلمانان واجب است در این جهاد شرکت نمایند و در صورت کشته شدن، شهید خواهند بود. (۱۴)

تصمیم به کشتار عمومی علمای اهل سنت

دریادار سرتیپ ایوب صبری، سرپرست مدرسه عالی نیروی دریایی در دولت عثمانی می‌نویسد: عبدالعزیز بن سعود که تحت تأثیر سخنان محمد بن عبدالوهاب قرار گرفته بود، در اولین سخنرانی خود در حضور شیوخ قبایل گفت: ما باید همه شهرها و آبادی‌ها را به تصرف خود درآوریم و احکام و عقاید خود را به آنان بیاموزیم... برای تحقق بخشیدن به این آرزو ناگزیر هستیم که عالمان اهل سنت را که مدعی پیروی از سنت سنیّه نبویه و شریعت شریفه محمدیه هستند از روی زمین برداریم. و به عبارت دیگر، مشرکانی را که خود را به عنوان علمای اهل سنت قلمداد می‌کنند، از دم شمشیر بگذرانیم؛ به ویژه علمای سرشناس و مورد توجه را؛ زیرا تا این‌ها زنده هستند هم‌کیشان ما روی خوشی نخواهند دید. از این رهگذر باید نخست کسانی که خود را به عنوان عالم خودنمایی می‌کنند ریشه کن نموده، سپس بغداد را تصرف کرد. (۱۵) همو می‌نویسد: سعود بن عبدالعزیز در سال ۱۲۱۸ ه. ق. به هنگام تسلط بر مکه مکرمه، بسیاری از دانشمندان اهل سنت را بی‌دلیل به شهادت رساند و بسیاری از اعیان و اشراف را بدون هیچ اتهامی به دار آویخت و هر که در اعتقادات مذهبی ثابت قدم نشان داد، به انواع شکنجه‌ها تهدید کرد. آن‌گاه منادیانی فرستاد که در کوچه و بازار بانگ زدند: «أدخلوا فی دین سعود وتظّلوا بظّله الممدود» هان ای مردمان! به دین سعود داخل شوید و در زیر سایه گسترده‌اش مأوا گزینید!! (۱۶)

خطبه کفر آمیز سعود در مدینه منوره

سعود بن عبد العزیز پس از تصرف مدینه منوره، همه اهالی مدینه را در مسجد النبی گرد آورد و درهای مسجد را بست و این گونه سخن آغاز نمود: «هان ای مردم مدینه! بر اساس آیه شریفه «الْیَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِینَكُمْ»؛ دین و آیین شما امروز به کمال رسید و به نعمت اسلام مشرف شدید، حضرت احدیت از شما راضی و خشنود گردید. ادیان باطله نیاکان خود را رها کنید و هرگز از آن‌ها به نیکی یاد نکنید، از درود و رحمت فرستادن بر آن‌ها به شدت پرهیز نمایید؛ زیرا همه آن‌ها به آیین شرک در گذشته‌اند». (۱۷)

انهدام میراث فرهنگی

حفظ تاریخ گذشتگان و صیانت از میراث فرهنگی نیاکان، نشانگر تمدن یک جامعه به شمار می‌رود که دولت‌ها برای پاسداری از آن‌ها، ادارات ویژه تأسیس نموده و کارشناسان ماهر تربیت می‌کنند و در این عرصه اجازه نمی‌دهند که حتی یک سفال و یا کتیبه کوچک سنگی از بین برود. شکی نیست که تمدن اسلامی تنها تمدن پیشتاز عصر خویش بود که مسلمانان در پرتو تعالیم آسمانی خویش آن را پی ریزی نمودند. شکوفایی این تمدن در قرن چهارم و پنجم هجری قمری به اوج خود رسید و به شهادت محققان غربی، نفوذ این تمدن از طریق اندلس و جنگ‌های صلیبی به اروپا یکی از مهم‌ترین علل شکوفایی و رنسانس غرب در قرون اخیر به شمار می‌رود. آثار و ابنیه مربوط به شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و یاران باوفای او جزئی از میراث عمومی این تمدن بزرگ بوده، حفظ و صیانت از آن‌ها نشانه تقدیر از بنیانگذاران این فرهنگ و تمدن به شمار می‌رود. اقدام به تخریب و نابودی این آثار، نشانه انحطاط فکری و بی‌توجهی به سازندگان و بنیان‌گذاران تاریخ و تمدن می‌باشد که در اثر مرور زمان، واقعیت تاریخ و اصالت دینی به دست فراموشی سپرده می‌شود. و از همه مهم‌تر، عامل رکود انگیزه‌های فکری و نابودی استعدادهای درخشان در جامعه بشری می‌گردد. با مراجعه به قرآن کریم روشن می‌شود که امت‌های پیشین برای حفظ و صیانت از آثار پیامبران خود اهتمام می‌ورزیدند و به آن تبرک می‌جستند؛ همانند صندوقی که در آن موارث خاندان موسی و هارون قرار داشت و آن را در نبردها حمل می‌کردند تا از طریق تبرک به آن بر دشمن پیروز گردند. خداوند متعال در این زمینه می‌فرماید: «وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَبْعِينَ مِائَةً مِنْ رَبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِمَّا تَرَكَ آلُ مُوسَىٰ وَآلُ هَارُونَ»؛ (۱۸) «و پیامبرشان به آن‌ها گفت: نشانه حکومت او این است که "صندوق عهد" را به سوی شما خواهد آورد [همان صندوقی که در آن آرامشی از پروردگار شما و یادگارهای

خاندان موسی و هارون قرار دارد.» جلال‌الدین سیوطی نقل می‌کند که وقتی رسول اکرم صلی الله علیه و آله آیه شریفه «فِي بُيُوتِ أَذْنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ» را در مسجد تلاوت نمود، فردی برخاست و پرسید: مقصود از این خانه‌ها چیست؟ پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله فرمود: خانه‌های پیامبران. در این موقع ابوبکر برخاست و به خانه علی و زهرا علیهما السلام اشاره کرد و گفت: ای پیامبر خدا! این خانه از همین خانه‌هاست که خدا رخصت بر رفعت و منزلت آن داده است؟ حضرت فرمود: آری، بلکه از برترین آن‌ها است. (۱۹) این قضیه نشان می‌دهد که خانه‌های پیامبران و صالحان، از اعتبار و جایگاه خاصی برخوردار است و پیدا است که این منزلت ارتباط به جنبه مادی و خشت و گل و آجر آن‌ها ندارد؛ بلکه این ارزش به خاطر انسان‌های والایی است که در آنجا سکونت گزیده‌اند. سیر و سیاحت در کشورهایی که قبور انبیا و فرزندان آنان علیهم السلام قرار دارد، نشان می‌دهد که پیروان پیامبران نسبت به حفظ قبور آنان و ساختن بناهای مجلل بر روی آن‌ها، اهتمام خاصی می‌ورزیدند، و سپاه اسلام نیز هنگام فتح شامات دست به تخریب قبور پیامبران نزدند، بلکه خادمان آن‌ها را در مأموریت خود ابقا کردند. و لذا این بناها تا امروز محفوظ مانده و برای مسلمانان، بلکه برای تمام موخردان جهان جاذبه خاصی دارد. اگر ساختن بنا بر قبور انبیا و اولیا نشانه شرک بود، جا داشت فاتحان منصوب از سوی خلفا به تخریب و نابودی آن‌ها می‌پرداختند. کتب تاریخی و سفرنامه‌ها، گواه وجود صدها آرامگاه و مرقد با شکوه در سرزمین وحی و کشورهای اسلامی است. مسعودی متوفای ۳۴۵ ه. ق مورخ معروف، مشخصات کامل قبور ائمه بقیع و اهل بیت را بیان نموده است. (۲۰) و ابن جبیر اندلسی جهانگرد معروف اواخر قرن ششم که مشرق زمین را سه بار زیر پا نهاده است، در سفرنامه خود مشاهده انبیا و صالحان و ائمه اهل بیت علیهم السلام را در مصر، مکه، مدینه، عراق و شام به تفصیل بیان داشته و در ضمن ویژگی‌های روضه ائمه بقیع و خصوصیات ضریح آن‌ها را بیان نموده است. (۲۱)

تخریب آثار بزرگان مکه

وهابیان در سال ۱۲۱۸ ه. ق پس از مسلط شدن بر مکه، تمام آثار بزرگان دین را تخریب نمودند. آنان در معلی قبه زادگاه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را و همچنین قبه زادگاه ابوبکر و امام علی علیه السلام و حضرت خدیجه علیها السلام را ویران و با خاک یکسان کردند. و تمام آثار باستانی که در اطراف خانه خدا و بر روی زمزم بود، تخریب کرده و در تمام مناطقی که مسلط می‌شدند، آثار صالحین را نابود می‌کردند. آنان هنگام تخریب، طبل می‌زدند و به رقص و آوازه‌خوانی می‌پرداختند. (۲۲) آنان شقاوت را به جایی رساندند که خانه حضرت خدیجه علیها السلام را به توالف تبدیل کردند و تصمیم داشتند که زادگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله را نیز چنین کنند که یک فرد خیری در آنجا کتابخانه‌ای تأسیس کرد و از کار زشت وهابیان جلوگیری نمود. (۲۳)

آتش زدن کتابخانه‌های بزرگ

دردناک‌ترین کاری که وهابیت مرتکب شد و ننگ آن برای ابد در پیشانی آنان باقی ماند، آتش زدن کتابخانه بزرگ «المکتبه العربیة» بود که بیش از ۶۰ هزار عنوان کتاب گرانقدر کم نظیر و بیش از ۴۰ هزار نسخه خطی منحصر به فرد داشت که در میان آن‌ها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت و قرارداد یهودیان با کفار قریش بر ضد رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشت، و همچنین آثار خطی حضرت علی علیه السلام و ابوبکر و عمر و خالد بن ولید و طارق بن زیاد و برخی از صحابه پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و قرآن مجید به خط عبدالله بن مسعود بود. در همین کتابخانه انواع سلاح‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله و بت‌هایی که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بود؛ مانند «لات»، «عزی»، «منات» و «هبل» وجود داشت. ناصر السعید از قول یکی از مورخان نقل می‌کند که هنگام تسلط وهابیان، این کتابخانه را به بهانه وجود کفریات در آن به آتش کشیدند و به خاکستر تبدیل

کردند. (۲۴)

تخریب آثار بزرگان مدینه

آل سعود در سال ۱۳۴۴ ه. ق که تسلط کامل بر حجاز یافت، تمام آثار صحابه را در مدینه نابود کرد؛ مانند زادگاه امام حسن و امام حسین علیهما السلام در مدینه، قبور شهدای بدر، بارگاه ائمه بقیع (امام حسن، امام سجاد، امام باقر و امام صادق علیهم السلام) و بیت الأ-حزانی که امام علی علیه السلام برای حضرت زهرا علیها السلام بنا نهاده بود و مرقد مطهر فاطمه بنت اسد مادر امیر مؤمنان علیه السلام.

برخی از عقاید و فتاوی وهابیان

۱ - حرمت رفتن به زیارت قبور اولیای الهی. ۲ - حرمت بنا بر قبور انبیا و اولیا، به خاطر شرک دانستن این عمل. ۳ - حرمت ساختن مسجد بر قبور اولیا. ۴ - حرمت نماز و دعا خواندن در کنار قبور اولیا. ۵ - حرمت و شرک دانستن تبرک به آثار انبیا و اولیا. ۶ - حرمت صدا زدن انبیا و اولیا بعد از مرگ و شرک دانستن آن. ۷ - حرمت استغاثه به اولیای خدا بعد از مرگ و شرک دانستن آن. ۸ - حرمت کمک خواستن از اولیای الهی بعد از مرگ و شرک دانستن آن. ۹ - حرمت شفاعت خواستن از اولیا بعد از مرگ و شرک دانستن آن. ۱۰ - حرمت قسم خوردن به غیر خدا؛ مثل پیامبر یا ولی یا کعبه و شرک دانستن آن. ۱۱ - حرمت قسم دادن بر خدا به حقّ نبی یا ولی. ۱۲ - حرمت نذر برای پیامبر یا ولی. ۱۳ - حرمت برپایی جشن در اعیاد و موالید انبیا و اولیا. ۱۴ - حرمت برپایی عزا در سوک اولیا. ۱۵ - حرمت چراغ روشن کردن بر سر قبور. ۱۶ - حرمت تعمیر قبور اولیا و تزئین آنها. ۱۷ - حرمت اقامه عزا و مجالس فاتحه. ۱۸ - حرمت توسل به انبیا و اولیا و نسبت شرک دادن به آن.

مسلمانان از دیدگاه وهابیان

وهابیان، تنها خود را مسلمان و اهل توحید خالص دانسته و بقیه مسلمانان را مشرک و فاقد احترام می‌دانند که خانه‌هایشان جای حرب و شرک است و معتقدند که تنها شهادت به «لا اله الا الله و محمد رسول الله» کافی نیست؛ در حالی که مسلمانی تبرک به مسجد رسول، یا قصد زیارت رسول یا طلب شفاعت از او و غیره دارد. آنان معتقدند: کسانی که معتقد به توسل، شفاعت، استغاثه به ارواح اولیای الهی، تبرک و غیره‌اند، مشرکند هر چند اسم مسلمان را بر خود نهاده‌اند و چه بسا شرک آنان از شرک عصر جاهلیت خطرناک‌تر است. (۲۵) محمد بن عبدالوهاب در کتاب «کشف الشبهات»، لفظ شرک و مشرکین را بر مسلمانانی که تابع عقاید ایشان نیستند تقریباً ۲۴ بار تکرار کرده است. همچنین تعبیرهایی از قبیل: کفار، عبادت کنندگان بت، مرتدین، مشرکین، دشمنان توحید، دشمنان خدا و مدعیان اسلام را، در حدود بیست بار به کار برده است.

تشابه بین وهابیان و خوارج

با مراجعه به تاریخ خوارج و بررسی حالات آنان روشن می‌شود که در موارد گوناگونی این دو فرقه شبیه یکدیگرند، که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: ۱ - همان‌گونه که خوارج آرای شاذ و خلاف مشهور داشتند؛ مثل قول به این که مرتکب گناه کبیره کافر است، وهابیان نیز چنینند. ۲ - خوارج معتقدند می‌توان دار الاسلام را در صورتی که ساکنان آن مرتکب گناه کبیره شوند، دار الحرب نامید. وهابیان نیز این‌گونه‌اند. ۳ - در سخت‌گیری در دین و جمود و تحجّر در فهم آن شبیه هم بودند؛ خوارج به کلمه «لا حکم الا لله» تمسک کرده و امام علی علیه السلام را از حکم خلع کردند، وهابیان نیز با ملاحظه برخی از آیات و عدم توجه به بقیه،

حکم به تکفیر مسلمین نمودند. ۴ - همان گونه که خوارج از دین خارج شدند، وهابیان نیز با اعتقادات خرافی و باطل از دین خارج شدند. لذا در صحیح بخاری حدیثی آمده است که بر آنان قابل انطباق است: بخاری به سند خود از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «مردانی از طرف مشرق زمین خروج می‌کنند، آنان قرآن می‌خوانند، ولی از گلوی آنان تجاوز نمی‌کند، از دین خارج می‌شوند؛ همان گونه که تیر از کمان خارج می‌شود. علامت آنان تراشیدن سر است». (۲۶) قسطلانی در ارشاد الساری (۲۷) در شرح این حدیث می‌گوید: «من قبل المشرق» یعنی از طرف شرق مدینه؛ مثل نجد و مانند آن. می‌دانیم که نجد مرکز وهابیان و موطن اصلی آنان بود که از آنجا به دیگر شهرها منتشر شدند. و همچنین تراشیدن موی سر و بلند گذاشتن ریش از شعارها و نشانه‌های آنان است. ۵ - در احادیث در وصف خوارج می‌خوانیم: «آنان اهل اسلام را می‌کشند و بت پرستان را رها می‌کنند». (۲۸) این عمل عیناً در وهابیان مشاهده می‌شود. ۶ - عبدالله بن عمر در وصف خوارج می‌گوید: «اینان آیاتی را که در شأن کفار نازل گشته می‌گرفتند و بر مؤمنین حمل می‌نمودند». این عمل در وهابیان نیز هست.

روش‌های دعوت وهابیان

اشاره

اینان برای پیشبرد عقاید و افکار خود از راه‌های مختلف استفاده می‌کنند که به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱ - مبارزه و مقابله با کتاب‌های شیعه

وهابیان با شیوه‌های مختلف در صدد مقابله با شیعه و آثار علمی آنان برآمده‌اند؛ زیرا شیعه امامیه بیشتر از بقیه مذاهب اسلامی به طرح مباحث علمی می‌پردازد. چرا این همه مقابله با شیعه؟ اگر حرف آنان مطابق با حق است و دیگران بر باطل، چرا از باطل می‌ترسند؟ چرا مانع از نشر کتاب‌های شیعه در میان جوانانند؟ چرا اگر یک دانشجوی وهابی کتابی از شیعه در دستش باشد، باید از مراکز علمی اخراج شود؟ چرا نمی‌گذارند صاحبان فکر و اندیشه، خود تصمیم بگیرند؟ چرا آثار شیعی که در نمایشگاه بین‌المللی کتاب مصر عرضه شد، باید توسط وهابیان خریداری و سوزانده شود؟ (۲۹)

۲ - تحریف کتاب‌ها

یکی از راه‌های مقابله با مخالفین نزد وهابیان، تحریف کتاب‌های حدیثی و تفسیری و تاریخی اهل سنت است. روایات و کلماتی که بر ضد آنان آمده را تحریف می‌کنند، آن‌گاه سفارش چاپ آن را به چاپ‌خانه‌ها می‌دهند. لذا اگر کسی در کتاب خود به حدیثی استدلال کرده، و مصدر آن را نیز ذکر می‌نموده، با مراجعه به چاپ‌های جدید اثری از حدیث نمی‌یابد ولی با مراجعه به چاپ‌های قدیم پی می‌بریم که این حدیث در چاپ‌های بعد حذف شده است. خصوصاً این که سعی می‌کنند با چاپخانه‌ها ارتباط برقرار کرده یا با آنان شریک شوند، و با پایین آوردن قیمت کتاب‌های تحریف شده، یا مجانی کردن آن، به دست اکثر جامعه برسانند. محمد نوری دیرثوی می‌گوید: «تحریف و حذف احادیث از کارهای دایمی و همیشگی وهابیان است؛ به عنوان نمونه، نعمان آلوسی تفسیر پدرش شیخ محمود آلوسی را به نام روح المعانی تحریف نمود، و مطالبی را که به ضرر وهابیان بود حذف کرد و اگر این تحریف نبود تفسیر او نمونه تفاسیر محسوب می‌شد». نمونه دیگر این که در مغنی ابن قدامه حنبلی، بحث «استغاثه» را حذف کردند؛ زیرا در نظر آنان شرک محسوب می‌شود، آن‌گاه آن را چاپ نمودند. شرح صحیح مسلم را با حذف احادیث صفات، چاپ مجدد نمودند. (۳۰) این کارها متأسفانه در میان آنان رواج فراوان دارد؛ خصوصاً نسبت به احادیث و قسمت‌هایی از تاریخ که فضیلتی از

فضایل اهل بیت علیهم السلام در آن بوده و یا ذکری از لغزش خلفا و یا یکی از صحابه است. از باب نمونه در تفسیر «جامع البیان» طبری در ذیل آیه شریفه «وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» حدیث آغاز دعوت را این گونه نقل می‌کند که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «کدام یک از شما وزیر و کمک کار من در این امر - امر رسالت - خواهد شد تا برادر من و کذا و کذا باشد». بعد از آن که علی علیه السلام این مقام را پذیرفت پیامبر به علی علیه السلام فرمود: «تو برادر من و کذا و کذا هستی». (۳۱) با مراجعه به تاریخ طبری پی می‌بریم که به جای کذا و کذا «وصیی و خلیفتی» بوده که دست تحریف، آن‌ها را حذف کرده و به جای آن کلماتی مبهم قرار داده است؛ زیرا این گونه احادیث با عقایدشان سازگاری ندارد. گاهی هم لغزش‌های خلفا یا مناقب اهل بیت علیهم السلام را این گونه تحریف می‌کنند که به جای آن‌ها چند نقطه می‌گذارند. خواننده نمی‌داند که به جای این نقطه‌ها، چه مطالب حساسی است که می‌تواند سرنوشت تاریخ را عوض کند. در برخی از موارد نیز صدر یا ذیل حدیث را حذف می‌کنند؛ زیرا با عقایدشان سازگاری ندارد، همان گونه که بخاری در موارد زیادی این چنین کرده است. گاهی نیز اگر حدیث را به جهت شهرت نمی‌توانند حذف کنند، درصدد تضعیف آن بدون هیچ دلیل و مدرکی بر می‌آیند؛ همان گونه که ابن تیمیه نسبت به حدیث غدیر و حدیث ولایت و دیگر احادیث این چنین کرده است. در برخی از موارد هم کلمات را تغییر داده تا معنایی دیگر از آن فهمیده شود، همان گونه که در قضیه «لیلۃ المیت» به جای کلمه: بات علی فراشه، کلمه «بال»؛ یعنی بول کرد، آورده‌اند. از جمله شواهد بر تحریف به نقصان، این است که برخی از مصادر حدیثی که از کتابی نقل می‌کنند، با مراجعه به آن کتاب اثری از آن نمی‌بینیم! به عنوان مثال: حدیث «امان» را که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «النجوم أمان لأهل السماء فإذا ذهب ذهبوا، وأهل بیتی أمان لأهل الأرض فإذا ذهب أهل بیتی ذهب أهل الأرض» را برخی از مصادر حدیثی از مسند احمد بن حنبل نقل می‌کنند، ولی الآن در آن کتاب موجود نیست. و نیز حدیث: «أنا مدینة العلم وعلی بابها» را ابن اثیر در جامع الأصول و سیوطی در تاریخ الخلفا و ابن حجر در الصواعق المحرقة از صحیح ترمذی نقل می‌کنند در حالی که این حدیث الآن در آن کتاب موجود نیست.

۳ - مختصر کردن کتاب‌ها

یکی دیگر از راه کارهای تبلیغی وهابیان، مختصر کردن کتاب‌ها و متون اصلی حدیثی، تاریخی و تفسیری است؛ به این طریق که بخش‌هایی را که موافق با عقایدشان نیست به عنوان این که کتاب را می‌خواهند مختصر کنند تا برای مردم بیشتر قابل نفع باشد، حذف می‌کنند و سپس آن را به چاپ خانه‌ها می‌دهند و با همان وضع به بازار عرضه کرده، گاهی به صورت رایگان در بین مردم پخش می‌کنند و این گونه حقایق را تحریف کرده و به عنوان مسلمات تاریخ، حدیث و تفسیر به جامعه تحمیل می‌کنند. ما با تلخیص برخی از کتاب‌های مطول و مفصل مخالف نیستیم؛ زیرا امروزه بشر به جهت اشتغال زیاد، کمتر می‌تواند به مطالعه کتاب‌های مفصل پردازد، لکن با اختصار گزینشی و مغرضانه مخالفیم. در این کتاب‌های مختصر تاریخی، مطاعنی را که در خصوص خلفا حتی معاویه، یزید و برخی از صحابه وارد شده حذف می‌کنند و نیز فضایل اهل بیت علیهم السلام را از جای جای آن کتاب‌ها برمی‌دارند؛ در حالی که به احادیث جعلی که در شأن و منزلت خلفا و برخی از صحابه در آن کتاب آمده، کاری ندارند! و معلوم است با این عمل زشت و جنایت فرهنگی، چه ظلمی در حق خوانندگان که قضاوت کنندگان در طول تاریخند، می‌شود. و چگونه کسانی که نامقدسند، مقدس شمرده شده و در مقابل، کسانی که مقدسند به فراموشی سپرده می‌شوند.

۴ - استفاده از موسم حج

یکی دیگر از شگردهای تبلیغی، استفاده فراوان از موسم حج است؛ موسمی که در آن صدها هزار حاجی مسلمان از اطراف عالم جمع می‌شوند، وهابیان از این موقعیت به خوبی در نشر افکار خود سوء استفاده می‌کنند. مبلغین را بین حجاج به زبان‌های مختلف

می‌فرستند، و با بحث علمی و اهدای کتاب و دعوت به مراکز علمی‌شان - اگر از شخصیت‌های علمی باشند - به تبلیغ مذهب خود می‌پردازند. حتی اخیراً مشاهده شده که در بین حجاج ایرانی کتاب‌های فارسی بر ضد شیعه را در تیراژ بسیار بالا به طور رایگان توزیع می‌کنند، کتاب‌هایی که بسیار مرموزانه نوشته شده و درصدد تثبیت عقاید خود و تخریب عقاید شیعه و مذاهب دیگر اسلامی است. لازم به ذکر است عقاید پوچ وهابیان نه تنها به شیعیان تأثیر نمی‌گذارد، بلکه سایر مذاهب اهل سنت نیز از عقاید و عملکرد آنها بیزار هستند. نمونه شکست آنان را در ایجاد گروه انحرافی طالبان و القاعده و فرجام آنان می‌توان دریافت. طبق اظهارات یکی از بزرگان، در کشور تاجیکستان از سوی وهابی‌ها باغ بزرگی تهیه و از فرهنگیان جهت تدریس در محیط دانشگاه و مدارس اقدام به ثبت نام نموده و پس از یک دوره سه ماهه، حدود ۴۰۰ نفر از برگزیدگان را به عربستان برده و در دانشگاه «الاسلامیه» مدینه منوره طی دو سال دوره آموزش مبانی وهابیت و راه مبارزه با فرهنگ شیعه، آنان را به شهرهای مختلف تاجیکستان و دیگر کشورهای آسیای میانه اعزام کرده‌اند. مشابه این کار در آذربایجان شوروی نیز انجام گرفته و حتی اسم کسانی را که همنام ائمه‌علیهم‌السلام بودند، تغییر داده و سپس آنان را برای ترویج افکار وهابیت به کشور مبدأ اعزام نموده‌اند. فقط در ایام حج سال ۱۳۸۱، ده میلیون و ۶۸۵ هزار جلد کتاب به ۲۰ زبان زنده دنیا، (غالباً بر ضد شیعه) توسط دولت سعودی در میان زائران خانه خدا، توزیع شده است. (۳۲) یکی از روحانیون سرشناس شیعه در منطقه قطیف کشور سعودی، در شب ۱۲ رجب سال جاری (۱۳۸۲) در مکه مکرمه اظهار داشت: کتاب «لله ثم للتاریخ» که ضد شیعه است را با کامیون‌های بزرگ در منطقه قطیف و احساء در میان شیعیان به رایگان توزیع کرده‌اند. همین کتاب، در کشور کویت سال ۱۳۸۰ در یکصد هزار تیراژ چاپ و منتشر گردید که توسط دانشمند متعهد جناب آقای مهری (نماینده ولی فقیه) به دولت کویت اعلام گردید: اگر از نشر و توزیع این کتاب موهن و ضد شیعه جلوگیری نشود، بیم آن می‌رود که کویت، به لبنان دیگری در منطقه تبدیل شود. (۳۳)

۵ - تهمت‌ها بر ضد شیعه

آقای دکتر عبدالله محمد غریب از یکی از نویسندگان مصری در کتاب مملو از دروغ و تهمت خود «و جاء دور المجوس» می‌نویسد: «نهضت (امام) خمینی، یک نهضت مجوسی، عجمی و کسروی است، نه نهضت اسلامی، عربی و محمدی.» (۳۴) او کینه‌توزی و دشمنی را تا آنجا پیش برده که می‌نویسد: «می‌دانیم که خطر حاکمان تهران برای اسلام از خطر یهود بر اسلام، سخت‌تر است و از آنان هیچ امید خیری انتظار نمی‌رود و نیک می‌دانیم که آنان به زودی با یهود، همداستان شده و به جنگ با مسلمانان خواهند آمد!» (۳۵) این در حالی است که تمام دنیا می‌دانند که امروز برای حکومت غاصب صهیونیستی، دشمنی، سخت‌تر از نظام اسلامی نیست و افتخار این نظام این است که به مجرد پیروزی انقلاب اسلامی، سفارت دولت غاصب اسرائیل را برای همیشه در ایران تعطیل و به جای آن سفارت فلسطین را گشود. دکتر ناصرالدین قفاری از اساتید دانشگاه‌های مدینه منوره، در کتاب «اصول مذهب الشیعه الإمامیه» که رساله دکترای او بوده، نوشته است: «(امام) خمینی، نام خود را در اذان نمازها داخل کرده و حتی نام خود را بر نام پیامبر نیز مقدم نموده است. در ایران، اذان در نمازها - بعد از دست گرفتن (امام) خمینی زمام حکومت را به عنوان حاکم ایران و حاکم همه جوامع (مسلمانان) - چنین است: الله اکبر، الله اکبر، خمینی رهبر؛ یعنی خمینی پیشوای ماست، سپس (می‌گویند): اشهد أن محمداً رسول الله!» (۳۶) این در حالی است که هر کس بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به شهرهای مختلف و مساجد این کشور برود پی به دروغ بودن این نسبت ناروا می‌برد. آری! آنچه واقعیت دارد این که نمازگزاران پس از اتمام نماز در دعای دسته جمعی که می‌خوانند رهبری امام خمینی رحمه الله را اعلام می‌دارند.

از عوامل تهاجم بر ضد شیعه

یکی از انگیزه‌های تهاجم وسیع وهابیت بر ضدّ مذهب اهل بیت علیهم السلام ترس و وحشت آنان از گسترش فرهنگ برخاسته از قرآن در میان جوانان و دانشمندان تحصیل کرده و استقبال آنان از این مکتب نورانی مطابق با سنت راستین محمدی صلی الله علیه و آله است. به چند نمونه توجه کنید: دکتر عصام العمد، فارغ التحصیل دانشگاه «الإمام محمد بن سعود» در ریاض و شاگرد بن باز (مفتی اعظم سعودی) و امام جماعت یکی از مساجد بزرگ صنعاء و از مبلغین وهابیت در یمن که کتابی نیز در اثبات کفر و شرک شیعه تحت عنوان: «الصلة بین الإثنی عشریة و فرق الغلاة» نوشته است، ضمن آشنایی با یکی از جوان‌های شیعه، با فرهنگ نورانی تشیع آشنا شده و از فرقه وهابیت دست می‌کشد و به مذهب شیعه مشرف می‌گردد. دکتر عصام در کتابی که به همین مناسبت تألیف نموده، می‌نویسد: «و هر اندازه که کتاب‌های برادران خود از وهابیان را می‌خوانیم، به یقینمان اضافه می‌شود که آینده برای مذهب دوازده امامی است؛ زیرا آنان (با تندروری که دارند) سبب حرکت سریع برای این مذهب در بین وهابیان و دیگر مسلمانان می‌باشند.» (۳۷) آن‌گاه از قول شیخ عبدالله العُیْمَان استاد «دانشگاه اسلامی» در مدینه منوره نقل می‌کند: «وهابیان به یقین دریافته‌اند، تنها مذهبی که در آینده، اهل سنت و وهابیت را به طرف خود جذب خواهد کرد، همان مذهب شیعه امامی است.» (۳۸) آقای شیخ ربیع بن محمّد، از نویسندگان بزرگ سعودی می‌نویسد: «و از جمله اموری که تعجبم را از این جهت زیاد کرده این است که برادرانی از ما و از آن جمله فرزندان یکی از علمای بزرگ و مشهور در مصر و هم چنین طالبان علمی که مدتی طولانی با ما در حلقه‌های علم مجالست داشته‌اند، و نیز برخی از برادرانی که ما حسن ظنّ به آن‌ها داشتیم، این راه و روش را دنبال کرده‌اند، و این راه جدید همان "تشیع" است. و به طبیعت حال، من از اولین لحظه درک کردم که این برادران را همانند دیگر افراد در عالم اسلام، پرتوهای نورانیت انقلاب اسلامی مبهوت کرده است.» (۳۹) شیخ محمد مغراوی از دیگر نویسندگان مشهور وهابی می‌گوید: «بعد از انتشار مذهب دوازده امامی در شرق عالم اسلامی، بر جوانان در کشورهای مغرب ترسیدم...» (۴۰) دکتر ناصر بن عبدالله بن علی قفاری استاد دانشگاه‌های مدینه می‌نویسد: «و به طور جزم به سبب کوشش‌هایی که بزرگان دوازده امامی انجام داده‌اند عده‌ای از جوانان مسلمان، شیعه شده‌اند. و هر کسی کتاب "عنوان المجد فی تاریخ البصره و نجد" را مطالعه کند، این امر او را به وحشت می‌اندازد که برخی از قبایل، تماماً شیعه شده‌اند.» (۴۱) جالب‌تر از این‌ها، سخن شیخ مجدی محمّد علی محمد نویسنده بزرگ وهابی است که می‌گوید: «یکی از جوان‌های اهل سنت با حالت حیرت نزد من آمد. انگیزه حیرت او را جويا شدم، دریافتم که دست یک شیعه به وی رسیده است و این جوان سنی تصوّر کرده که شیعیان، ملائکه رحمت و شیر بیشه حق می‌باشند.» (۴۲)

وهابیت، عامل تفرقه

ملت مسلمان که با الهام از رهنمودهای حیات‌بخش اسلام توانسته بود پیوند اخوت در میان خود ایجاد نماید و در پرتو کلمه توحید و توحید کلمه در برابر تهاجم سنگین صلیبیان و قساوت‌های ثنویان (مغول) ثابت و استوار بمانند، ولی با کمال تأسف با ظهور مکتب وهابیت در قرن هفتم این وحدت در هم شکست. و با اتهام نادرست بدعت و شرک به مسلمانان، ضربات جبران‌ناپذیری به صفوف به هم پیوسته آنان وارد ساخت، و با نابودی آثار بزرگان دین و کاستن از مقام انبیا و اولیا، در خدمت استعمار شوم غرب و دشمنان دیرینه اسلام درآمد. در قرن ۱۲ ه. ق. محمد بن عبدالوهاب مروج اصلی افکار وهابیت، مسلمانان را به جرم استغاثه به انبیا و اولیای الهی مشرک و بت‌پرست قلمداد کرد و فتوا بر تکفیر آنان داد و خونشان را حلال و قتل آنان را جایز و اموال آنان را جزء غنایم جنگی به حساب آورد و لذا هزاران مسلمان بی‌گناه را به خاک و خون کشیدند. امروز مفتیان وهابی که عملاً در خدمت بیگانگان قرار گرفته‌اند، با فتوا به حرمت ازدواج با شیعه و نجاست ذبیحه آنان و حرمت پرداخت زکات به فقرا شیعه راه هر گونه وحدت را مسدود می‌کنند. شیخ عبدالله جبرین، یکی از علمای بزرگ و عضو دارالافتای عربستان، در پاسخ به استفتایی درباره مجزی بودن پرداخت زکات و صدقات به فقرا شیعه می‌گوید: «زکات نباید به کافر و بدعت‌گذار پرداخت شود و رافضیان...»

بدون شک کافرنند... لذا اگر صدقه به ایشان پرداخت شده باشد باید اعاده شود؛ زیرا این صدقه به کسی داده شده که از آن برای کفر کمک می‌گیرد و در حال جنگ با اسلام و تسنن است؛ پرداخت زکات به این گروه حرام است». گفته می‌شود: وی فتوای دیگری نیز بر ضد شیعه صادر کرده که از جمله آن، مباح شمردن قتل شیعیان است. (۴۳) هیأت دائم افتای سعودی در پاسخ به استفتایی در مورد ازدواج با شیعه می‌نویسد: «ازدواج اهل سنت با شیعه و کمونیست جایز نیست و اگر چنان ازدواجی صورت گرفته، باطل است، چون عادت شیعه استغاثه به اهل بیت [عصمت و طهارت علیهم السلام است و این بزرگ‌ترین شرک به شمار می‌رود. (۴۴) با این که این گروه درباره ازدواج با یهودی و مسیحی پاسخ داده‌اند: «ازدواج مسلمان با اهل کتاب؛ اعم از یهودی و نصرانی، در صورتی که اهل فحشا نباشد، جایز است.» (۴۵) یا در کتابی که با حمایت حاکمان مکه و مدینه در همین سال‌های اخیر به نام «مسأله التقرب» منتشر شد، اولین پیش شرط وحدت و تقرب با شیعه را اثبات مسلمان بودن شیعه دانسته‌اند. بدیهی است مادامی که نگرش آنان به شیعه یک نگاه برون مذهبی است و با تبعیت از اسلاف خود، شیعه را بدتر از یهود می‌دانند و وجدان بشری را زیر پا نهاده و با دشمنان قسم خورده اسلام هم‌صدا گردیده‌اند، چگونه می‌شود به تقرب مذاهب اسلامی و وحدت مسلمین که از نیازهای جامع اسلامی است دست یافت؟ در پایان عزیزانی که نیاز به بررسی بیشتری پیرامون سلفی‌گری و وهابیت دارند را به مراجعه به کتاب «سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات» چاپ انتشارات مسجد مقدس جمکران راهنمایی می‌کنیم.

فهرست منشورات مسجد مقدس جمکران

۱ قرآن کریم / چهار رنگ - گلاسه رحلی خط نیریزی / الهی قمشاه ۲ قرآن کریم / چهار رنگ - رحلی خط نیریزی / الهی قمشاه ۳ قرآن کریم / وزیر خط نیریزی / الهی قمشاه ۴ قرآن کریم / وزیر (با ترجمه) خط عثمان طه / الهی قمشاه ۵ قرآن کریم / وزیر (بدون ترجمه) خط عثمان طه ۶ کلیات مفاتیح الجنان / عربی انتشارات مسجد مقدس جمکران ۷ کلیات مفاتیح الجنان / وزیر خط افشاری / الهی قمشاه ۸ کلیات مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشاه ۹ کلیات مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشاه ۱۰ منتخب مفاتیح الجنان / جیبی خط افشاری / الهی قمشاه ۱۱ منتخب مفاتیح الجنان / نیم جیبی خط افشاری / الهی قمشاه ۱۲ آئینه اسرار حسین کریمی قمی ۱۳ آخرین پناه محمود ترجمی ۱۴ آخرین خورشید پیدا واحد تحقیقات ۱۵ آشنایی با چهارده معصوم (دو جلد) / شعر و رنگ آمیزی سید حمید رضا موسوی ۱۶ آقا شیخ مرتضی زاهد محمد حسن سیف اللهی ۱۷ آیین انتظار (مختصر مکیال المکارم) واحد پژوهش ۱۸ ارتباط با خدا واحد تحقیقات ۱۹ از زلال ولایت واحد تحقیقات ۲۰ اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۱ الشمس الطالعه علی اصغر رضوانی ۲۲ امامت، غیبت، ظهور واحد پژوهش ۲۳ امامت و غیبت از دیدگاه علم کلام علم الهدی / واحد تحقیقات ۲۴ امام رضاعلیه السلام در رزمگاه ادیان سهراب علوی ۲۵ امام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۲۶ انتظار بهار و باران واحد تحقیقات ۲۷ انتظار و انسان معاصر عزیز الله حیدری ۲۸ اهمیت اذان و اقامه محمد محمدی اشتهاردی ۲۹ با اولین امام در آخرین پیام حسین ایرانی ۳۰ بامداد بشریت محمد جواد مروّجی طبری ۳۱ بهتر از بهار / کودک شمسی (فاطمه) وفائی ۳۲ پرچمدار نینوا محمد محمدی اشتهاردی ۳۳ پرچم هدایت محمد رضا اکبری ۳۴ تاریخ امیر المؤمنین علیه السلام / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۳۵ تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله / دو جلد شیخ عباس صفایی حائری ۳۶ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / اردو واحد تحقیقات ۳۷ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / انگلیسی واحد تحقیقات ۳۸ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / عربی واحد تحقیقات ۳۹ تاریخچه مسجد مقدس جمکران / فارسی واحد تحقیقات ۴۰ تاریخ سید الشهداء علیه السلام شیخ عباس صفایی حائری ۴۱ تجلیگاه صاحب الزمان علیه السلام سید جعفر میرعظیمی ۴۲ جلوه‌های پنهانی امام عصر علیه السلام حسین علی پور ۴۳ چهارده گفتار ارتباط معنوی با حضرت مهدی علیه السلام حسین گنجی ۴۴ چهل حدیث / امام مهدی علیه السلام در کلام امام علی علیه السلام سید صادق سیدنژاد ۴۵

حضرت مهدی علیه السلام فروغ تابان ولایت محمد محمدی اشتهاردی ۴۶ حکمت‌های جاوید محمد حسین فهیم‌نیا ۴۷ ختم سوره‌های یس و واقعه واحد پژوهش ۴۸ خزائن الاشعار (مجموعه اشعار) عباس حسینی جوهری ۴۹ خورشید غایب (مختصر نجم الثاقب) رضا استادی ۵۰ خوشه‌های طلایی (مجموعه اشعار) محمد علی مجاهدی (پروانه) ۵۱ دار السلام شیخ محمود عراقی میثمی ۵۲ داستان‌هایی از امام زمان علیه السلام حسن ارشاد ۵۳ داغ شقایق (مجموعه اشعار) علی مهدوی ۵۴ در جستجوی نور صافی، سبحانی، کورانی ۵۵ در کربلا چه گذشت؟ (ترجمه نفس المهموم) شیخ عباس قمی / کمره‌ای ۵۶ دلشده در حسرت دیدار دوست زهرا قرلقاشی ۵۷ دین و آزادی محمد حسین فهیم‌نیا ۵۸ رجعت احمد علی طاهری ورسی ۵۹ رسول ترک محمد حسن سیف‌اللهی ۶۰ روزنه‌هایی از عالم غیب سید محسن خزاز ۶۱ زیارت ناحیه مقدسه واحد تحقیقات ۶۲ سحاب رحمت عباس اسماعیلی یزدی ۶۳ سرود سرخ انار الهه بهشتی ۶۴ سقا خود تشنه دیدار طهورا حیدری ۶۵ سلفی‌گری (وهابیت) و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۶۶ سیاحت غرب آقا نجفی قوچانی ۶۷ سیمای امام مهدی علیه السلام در شعر عربی دکتر عبد‌اللهی ۶۸ سیمای مهدی موعود علیه السلام در آئینه شعر فارسی محمد علی مجاهدی (پروانه) ۶۹ شمس وراء السحاب / عربی السید جمال محمد صالح ۷۰ صحیفه سجاده ویرایش حسین وزیری / الهی قمشه‌ای ۷۱ ظهور حضرت مهدی علیه السلام سید اسد الله هاشمی شهیدی ۷۲ عاشورا تجلی دوستی و دشمنی سید خلیل حسینی ۷۳ عریضه‌نویسی سید صادق سیدنژاد ۷۴ عطر سبب حامد حجتی ۷۵ عقد الدرر فی اخبار المنتظر علیه السلام / عربی المقدس الشافعی ۷۶ علی علیه السلام مروارید ولایت واحد تحقیقات ۷۷ علی علیه السلام و پایان تاریخ سید مجید فلسفیان ۷۸ غدیرشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۷۹ فتنه و هابیت علی اصغر رضوانی ۸۰ فدک ذوالفقار فاطمه علیها السلام سید محمد واحدی ۸۱ فروغ تابان ولایت علی اصغر رضوانی ۸۲ فرهنگ اخلاق عباس اسماعیلی یزدی ۸۳ فرهنگ تربیت عباس اسماعیلی یزدی ۸۴ فرهنگ درمان طبیعی بیماری‌ها (پخش) حسن صدری ۸۵ فوز اکبر محمد باقر فقیه ایمانی ۸۶ کرامات المهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۷ کرامت‌های حضرت مهدی علیه السلام واحد تحقیقات ۸۸ کمال‌الدین و تمام النعمه (دو جلد) شیخ صدوق رحمه الله / منصور پهلوان ۸۹ کهکشان راه نیلی (مجموعه اشعار) حسن بیاتانی ۹۰ گردی از رهگذر دوست (مجموعه اشعار) علی اصغر یونسیان (ملتجی) ۹۱ گفتمان مهدویت آیت الله صافی گلپایگانی ۹۲ گنجینه نور و برکت، ختم صلوات مرحوم حسینی اردکانی ۹۳ مشکاة الانوار علامه مجلسی رحمه الله ۹۴ مفرد مذکر غائب علی مؤذنی ۹۵ مکیال المکارم (دو جلد) موسوی اصفهانی / حائری قزوینی ۹۶ منازل الآخرة، زندگی پس از مرگ شیخ عباس قمی رحمه الله ۹۷ منجی موعود از منظر نهج البلاغه حسین ایرانی ۹۸ منشور نینوا مجید حیدری فر ۹۹ موعودشناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۰۰ مهدی علیه السلام تجسم امید و نجات عزیز الله حیدری ۱۰۱ مهدی منتظر علیه السلام در اندیشه اسلامی العمیدی / محبوب القلوب ۱۰۲ مهدی موعود علیه السلام، ترجمه جلد ۱۳ بحار - دو جلد علامه مجلسی رحمه الله / ارومیه‌ای ۱۰۳ مهر بیکران محمد حسن شاه‌آبادی ۱۰۴ مهربان‌تر از مادر / نوجوان حسن محمودی ۱۰۵ میثاق منتظران (شرح زیارت آل یس) سید مهدی حائری قزوینی ۱۰۶ ناپیدا ولی با ما / انگلیسی واحد تحقیقات ۱۰۷ ناپیدا ولی با ما / بنگالا واحد پژوهش ۱۰۸ ناپیدا ولی با ما / ترکی استانبولی واحد پژوهش ۱۰۹ ناپیدا ولی با ما / فارسی واحد تحقیقات ۱۱۰ نجم الثاقب میرزا حسین نوری رحمه الله ۱۱۱ نشانه‌های ظهور او محمد خادمی شیرازی ۱۱۲ نشانه‌های یار و چکامه انتظار مهدی عزیز ۱۱۳ نماز شب واحد پژوهش مسجد مقدس جمکران ۱۱۴ نهج البلاغه / جیبی سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۱۱۵ نهج البلاغه / وزیر سید رضی رحمه الله / محمد دشتی ۱۱۶ نهج الکرامه گفته‌ها و نوشته‌های امام حسین علیه السلام محمد رضا اکبری ۱۱۷ و آن که دیرتر آمد الهه بهشتی ۱۱۸ واقعه عاشورا و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی ۱۱۹ وظایف منتظران واحد تحقیقات ۱۲۰ ویژگی‌های حضرت زینب علیها السلام سید نور الدین جزائری ۱۲۱ هدیه احمدیه / جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۲۲ هدیه احمدیه / نیم‌جیبی میرزا احمد آشتیانی رحمه الله ۱۲۳ همراه با مهدی منتظر بیژن کرمی ۱۲۴ یاد مهدی علیه السلام محمد خادمی شیرازی ۱۲۵ یار غائب از نظر (مجموعه اشعار) محمد حجتی ۱۲۶ ینابیع الحکمه / عربی - پنج

جلد عباس اسماعیلی یزدی جهت تهیه و خرید کتاب‌های فوق، می‌توانید با نشانی: قم - صندوق پستی ۶۱۷، انتشارات مسجد مقدس جمکران مکاتبه و یا با شماره‌های ۷۲۵۳۷۰۰، ۷۲۵۳۳۴۰ - ۰۲۵۱ تماس حاصل فرمایید.

پی‌نوشت‌ها

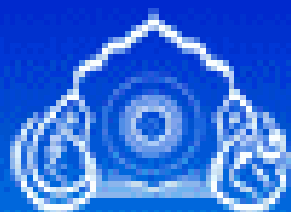
(۱) برای آشنایی بیشتر با عقاید انحرافی ابن تیمیه به کتاب سلفی‌گری (وها بیت و پاسخ به شبهات) چاپ همین انتشارات مراجعه فرمایید. (۲) ر.ک: تاریخ نجد، آلوسی؛ الصواعق الالهیه، سلیمان بن عبدالوهاب؛ فتنه الوهابیه. (۳) جزیره العرب فی القرن العشرين، ص ۳۴۱. (۴) تاریخ المملکه العربیه السعودیه، ج ۱، ص ۵۱. (۵) المخططات الاستعماریه لمکافحه الاسلام، ص ۷۸. (۶) همان، ص ۱۰۵. (۷) تاریخ المملکه السعودیه، ج ۳، ص ۷۳. (۸) عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۲۱، حوادث سال ۱۲۱۶ ه. ق. (۹) تاریخچه نقد و بررسی وهابی‌ها، ص ۱۶۲. (۱۰) مسیر طالبی، ص ۴۰۸. (۱۱) ماضی النجف و حاضرها، ج ۱، ص ۳۲۵. (۱۲) تاریخ المملکه السعودیه، ج ۱، ص ۹۲. (۱۳) الفجر الصادق، ص ۲۲. (۱۴) سیف الجبر المسلول علی الأعداء، شاه فضل رسول قادری، ص ۲. (۱۵) تاریخ وهابیان، ص ۳۳. (۱۶) همان، ص ۷۴. (۱۷) تاریخ وهابیان، ص ۱۰۷. (۱۸) سوره بقره، آیه ۲۴۸. (۱۹) درّ المنثور، ج ۶، ص ۲۰۳. (۲۰) مروج الذهب، ج ۲، ص ۲۸۸. (۲۱) رحله ابن جبیر، ص ۱۷۳، جهت اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب «وها بیت، مبانی فکری و کارنامه عملی» ص ۱۴۹ - ۱۷۹، تألیف دانشمند فرزانه و فقیه توانا حضرت آیت الله سبحانی. (۲۲) کشف الارتیاب، ص ۲۷، به نقل از تاریخ الجبرتی. (۲۳) ر.ک: نصیحتی لإخواننا النجدیین. (۲۴) ر.ک: تاریخ آل سعود، ج ۱، ص ۱۵۸؛ کشف الارتیاب، ج ۵۵، ص ۱۸۷ و ۳۲۴؛ اعیان الشیعیه، ج ۲، ص ۷۲؛ الصحيح من سیره النبی الأعظم، ج ۱، ص ۸۱؛ آل سعود من أين إلى أين، ص ۴۷. (۲۵) ر.ک: الرسائل العلمیه، محمد بن عبدالوهاب، ص ۷۹؛ تطهیر الاعتقاد، صنعانی، ص ۱۷؛ فتح المجید، ص ۴۰ و ۴۱؛ کشف الشبهات. (۲۶) صحیح بخاری، کتاب التوحید، باب ۵۷، ح ۷۱۲۳. (۲۷) ارشاد الساری، ج ۱۵، ص ۶۲۶. (۲۸) مجموع فتاوا، ابن تیمیه، ج ۱۳، ص ۳۲. (۲۹) السلفیه بین اهل السنه و الامامیه، ص ۶۸۰. (۳۰) ردود علی شبهات السلفیه، شیخ دیرثوی، ص ۲۴۹. (۳۱) جامع البیان، ذیل آیه شریفه. (۳۲) مجله میقات، شماره ۴۳، ص ۱۹۸، به نقل از روزنامه عکاظ، مورخ ۱۱/۹/۸۱. (۳۳) جریده الرأی العام الکویتیه، به تاریخ ۳۰/۶/۲۰۰۱. نامه مذکور در سایت‌های مختلف اینترنت قرار گرفته است. (۳۴) و جاء دور المجوس، ص ۳۵۷. (۳۵) همان، ص ۳۷۴. (۳۶) اصول مذهب الشیعیه الإمامیه، ج ۳، ص ۱۳۹۲. (۳۷) المنهج الجدید و الصحیح فی الحوار مع الوهابیین، ص ۱۷۸. (۳۸) المنهج الجدید و الصحیح فی الحوار مع الوهابیین، ص ۱۷۸. (۳۹) مقدمه کتاب الشیعیه الإمامیه فی میزان الإسلام، ص ۵. (۴۰) مقدمه کتاب من سب الصحابه و معاویه فأمه هاویه، ص ۴. (۴۱) مقدمه اصول مذهب الشیعیه الإمامیه الاثنی عشریه، ج ۱، ص ۹. (۴۲) انتصار الحق، ص ۱۴ و ۴۳. برگزیده اخبار، شماره ۱۶، مورخ ۷/۹/۸۰، ص ۱۳. (۴۴) فتاوی اللجنة الدائمہ للبحوث العلمیه و الإفتاء، ج ۱۸، ص ۲۹۸. (۴۵) فتاوی اللجنة الدائمہ للبحوث العلمیه و الإفتاء، ج ۱۸، ص ۳۱۵.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایند؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل

الله تعالی (فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-IR۹۰- به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام

یک را دوست تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌زحانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟». [سپس] فرمود: «حتمّاً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

